

اثر اندازه دولت بر رشد تولید ملی در اقتصاد ایران

مهرانگیز لکزیان^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی – دانشگاه فردوسی مشهد
me_le350@stu-mail.ac.ir

پروین غفرانی

دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد انرژی – دانشگاه فردوسی مشهد
p.ghofrani@stu.um.ac.ir

چکیده

فعالیت‌های اخیر دولت‌ها بحث‌های مهمی را در بین اقتصاددانان در زمینه نقش دولت و اثر آن بر رشد اقتصادی به وجود آورده است. اندازه دولت از اموری است که در راستای دست یافتن به رشد اقتصادی سریع و توسعه پایدار، دست‌خوش تغییرات شده است. بر اساس منطق جهانی شدن، دولت‌ها بایستی نسبت به کوچک‌سازی خود و واگذاری امور تصدی‌گری به بخش خصوصی و اصولاً ایجاد و گسترش فضای رقابتی اقدام نمایند. در مجموع، تجربه کشورها و مطالعات نظری، همگی مبین این امر است که وجود یک دولت بزرگ در اقتصاد، از انگیزه مشارکت‌های گسترده مردمی در فعالیت‌های اقتصادی می‌کاهد. یک دولت کوچک قدرتمند به مراتب کارا تر از یک دولت بزرگ ضعیف است. این مقاله رابطه تجربی بین اندازه‌ی دولت و رشد اقتصادی در کشور ایران را در دوره‌ی زمانی ۱۳۷۰-۱۳۹۰ با استفاده از الگوی ARDL بررسی می‌نماید. بدین منظور داده‌های مربوط به مخارج دولت، سرمایه‌گذاری دولت، نیروی کار و تولید از FAO استخراج شده است. نتایج نشان می‌دهد که اندازه دولت تاثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد تولید دارد.

واژه‌های کلیدی: اندازه دولت، رشد تولید ملی، الگوی خود توضیح با وقفه‌های گسترده

۱ - مقدمه

در مورد اثر مخارج دولت در کل، نمی‌توان از پیش نتیجه‌ای را مسلم فرض کرد. انتظار می‌رود انواع مختلف هزینه‌ها، اثرات متفاوتی داشته باشد. موضوع مورد بررسی در این تحقیق، تاثیر اندازه دولت بر تولید ناخالص ملی می‌باشد. این بحث یکی از مباحث شناخته شده در ادبیات اقتصادی است. با توجه به اینکه کشور ما کشوری در حال توسعه می‌باشد، بدلیل وابستگی شدید منابع مالی دولت به نفت خام و بنا به نظر نیکولاس کالدور^۱ (۱۹۵۷) بسیج شدن تمام منابع داخلی و مخصوصاً درآمدهای عمومی دولت برای رسیدن به افزایش رشد اقتصادی و دستیابی به توسعه مطلوب و پایدار در کشور های در حال توسعه نظیر ایران منجر به افزایش مخارج و بزرگتر شدن دولت شده و مشکلاتی مثل تورم مزمن و عدم کارایی برخی سازمانهای دولتی را باعث می‌شود. با نظر به اینکه، رابطه مخارج دولتی و رشد اقتصادی به منابع تأمین مالی مخارج دولت بستگی دارد، اگر این تأمین مالی از طریق استقراض صورت گیرد، رابطه مخارج دولتی و رشد اقتصادی منفی می‌باشد، اما اگر تأمین مالی از طریق مالیات ها باشد، رابطه بین مخارج دولتی و رشد تولید ملی مثبت است (طباطبایی و نعمت الهی، ۱۳۸۹). با توجه به گفته آدام اسمیت^۲ بنیانگذار مکتب کلاسیک، لازمه ی تحقق فرایند منظم و خود افزای رشد و توسعه ی اقتصادی در سرمایه داری، وجود رقابت آزاد، آزادی کسب و کار و دخالت نکردن دولت در امور اقتصادی بخش خصوصی است. از طرفی به گفته میردال^۳ دخالت بیشتر دولت در اقتصاد می‌تواند رشد اقتصادی را تقویت کند زیرا می‌توان از درگیر کردن دولت در اقتصاد تا اندازه‌ای برای کاهش نابرابری اجتماعی استفاده کرد و این یکی از عوامل تعیین کننده رشد است، زیرا نابرابری اجتماعی فرصت های پیش روی افراد کم درآمد جهت استفاده از استعدادهای آنها را محدود می‌کند (میردال، ۱۹۶۰). بنابراین، اندازه متناسب دولت، به عنوان بحثی جدال‌انگیز بین اقتصاددانان و دولتمردان از دوره کلاسیک‌ها و نظریات آدام اسمیت در قرن نوزدهم شروع شده است. آنچه که مشخص است آن است که در طی چندین دهه اخیر گسترش در اندازه دولت تاثیر منفی بر رشد اقتصادی داشته است. بنابراین یک رابطه منفی قوی بین اندازه دولت و گسترش آن و رشد اقتصادی وجود دارد (سوری و کیهانی، ۱۳۸۲). البته، تفکرات و سیاستهای اقتصادی به طور قابل ملاحظه‌ای در قرن اخیر تغییر کرده‌اند. در مفهوم جدید، وضعیت دولت در عصر جهانی شدن اقتصاد، سؤال های فراوانی را پیش روی دانشمندان و دولت ها قرار داده است. سؤالاتی از این قبیل که اصولاً ویژگی های دولت در عصر جهانی شدن اقتصاد کدام است؟ آیا ممکن است در عصر جهانی‌شدن اقتصاد، دولت تماماً کنار برود؟ این سؤال ها و صدها سؤال دیگر محور اساسی اندیشه نقش دولت در اقتصاد می‌باشد. استفاده از ابزارهای مختلفی مانند مخارج دولتی، با وجود اینکه از هر دو جنبه تئوری و تجارب عملی کشورها آثار تورمی افزایش بیش از حد اندازه دولت اثبات گردیده، یکی از مباحث قابل توجه در راستای امکان دستیابی به رشد اقتصادی است (طباطبایی و نعمت الهی، ۱۳۸۹). از این‌رو، در این پژوهش به بررسی تاثیر اندازه دولت بر رشد تولید ملی ایران طی سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۸ با استفاده از داده های سری زمانی و الگوی ARDL پرداخته شده است. داده ها و آمار مورد نیاز در این پژوهش از منابع آماری معتبر نظیر FAO استخراج شده است. در ادامه به بخش‌های مطالعات

¹ - Kaldor, N.

² - Adam Smith

³ Gunnar Myrdal

پیشین، اندازه دولت و اندازه دولت در اقتصاد ایران، سازوکارهای اثرگذاری فعالیت دولت بر رشد اقتصادی، تامین مالی کسری بودجه و در نهایت با اشاره به مبانی نظری به تصریح مدل و نتیجه گیری پرداخته شده است.

۲- پیشینه تحقیق

تحقیقات تجربی انجام شده در زمینه رابطه اندازه دولت و رشد تولید ملی نتیجه واحدی نداشته است. در زمینه تحقیقات خارجی می توان به تحقیقات زیر اشاره نمود: میردال (۱۹۶۰) تاکید می کرد که دخالت بیشتر دولت در اقتصاد می تواند رشد اقتصادی را تقویت کند زیرا می توان از درگیر کردن دولت در اقتصاد تا اندازه ای برای کاهش نابرابری اجتماعی استفاده کرد و این یکی از عوامل تعیین کننده رشد است. ببرد (۱۹۷۱)^۱، نسبت هزینه های دولت به تولید ناخالص ملی را به عنوان شاخص برای اندازه ی دولت، در پنج کشور توسعه یافته مورد استفاده قرار می دهد و نتیجه می گیرد که قانون واگنر (افزایش اندازه نسبی بخش عمومی با رشد درآمد سرانه اقتصاد) در این کشورها در ترم های کلی قابل دفاع است. کلی (۱۹۷۶)^۲ داده های بین کشوری ۲۷ کشور غیر کمونیست را برای دوره ۱۹۶۱-۱۹۶۳ مطالعه نمود. او به این نتیجه رسید که صرفه های مقیاس در تامین خدمات دولتی، که توسط تراکم جمعیت و اندازه کل جمعیت اندازه گیری می شود، تاثیر منفی معنی دار بر اندازه دولت دارد و همچنین نرخ بار تکفل جمعیت پیر نسبت به نرخ تکفل جمعیت جوان، تاثیر معنی دار آماری بر اندازه دولت دارد. لاندائو (۱۹۸۳)^۳ داده های ۱۰۴ کشور را برای دوره ۱۹۶۱-۱۹۶۷ تحلیل کرد و ارتباط بین اندازه دولت و رشد اقتصادی در کشورهای کمتر توسعه یافته را بررسی کرد و به این نتیجه رسید که ارتباط منفی معنی دار بین سهم هزینه های دولت در تولید ناخالص داخلی واقعی و نرخ رشد GDP واقعی سرانه وجود دارد. بورچیردینگ (۱۹۸۵)^۴ به بررسی عوامل تعیین کننده مخارج دولت پرداخت. معادله ارائه شده توسط او طبقه بندی مناسبی برای بحث در خصوص اندازه دولت حقیقی به وسیله پارامترهای کلیدی ارائه می دهد. لاندائو (۱۹۸۶)^۵ اثر جداگانه انتقالها، مخارج آموزش و سرمایه گذاری دولت را نیز ارزیابی کرد و دریافت که هر سه معنادار می باشند. بارو (۱۹۹۰)^۶ نیز داده های مورد استفاده لاندائو را با کنار گذاشتن مخارج دفاعی و آموزشی دولت، برای به دست آوردن مصرف دولتی تعدیل کرد. وی رشد GDP سرانه را به عنوان معیاری برای رشد اقتصادی معرفی و مشاهده کرد که اندازه بزرگ دولت، باعث کاهش رشد ستاده سرانه می شود. کوئین (۱۹۹۴)^۷ نیز رابطه بازبودگی با مخارج دولت را برای 38 کشور (کشورهای OECD و کشورهایی از آمریکای لاتین و جنوب آسیا) را مطالعه کرد. نتایج وی نشان می دهد که آزادسازی مالی دولت ها به سطوح بالاتر مخارج دولت ها وابسته است و اثر متفاوتی بر کشورها داشته است. لی و همکاران (۱۹۹۷)^۸ در بررسی علل رشد بخش عمومی علاوه بر معیارهای اقتصادی نظیر تولید سرانه، رابطه مبادله، معیار باز بودن اقتصاد و قیمت نسبی مصارف دولتی از معیارهای اجتماعی و سیاسی نیز استفاده نمودند. آنها دریافتند که عوامل دیگری نظیر؛

1- Bird

2- Kelley, A.C.

3- Landau, d.

4- Borchering

5- Landau

6 -Barro, R. J.

7 - Quinn

8- Lee, Commander and Davoodi

قیمت های نسبی بخش دولتی و خصوصی، نسبت وابستگی سنی، استقلال و آزادی سیاسی و میزان بوروکراسی، عوامل تعیین کننده در توضیح رشد بخش عمومی هستند. کولیری و همکارانش (۲۰۰۰) ^۱ معتقد بودند که افزایش اندازه نسبی بخش عمومی با رشد درآمد سرانه، برای ۷ کشور آلمان، استرالیا، انگلیس، ژاپن، ایتالیا، فرانسه و کانادا مصداق دارد. برجسی و آلبرت ^۲ (۲۰۰۱)، موضوع رابطه بین باز بودن و اندازه دولت را با طرح این سؤال که "اثر جهانی شدن بر دولت چگونه است"، بررسی کرده و نتیجه گرفتند: جهانی شدن ممکن است نیازمند این باشد که دولت برای تأمین و گسترش درجه آزادی تجارت، ظرفیت های بزرگ تری را در خودش ایجاد نماید و این استدلال که جهانی شدن یک کاهش در دولت ایجاد و هزینه های اجتماعی را کاهش می دهد، اثبات نمی شود. گارت و راین ^۳ (۲۰۰۶) در بررسی تحلیلی خود نقش دولت را عامل رشد دولت می داند. دولت به عنوان تأمین کننده کالاها و کاهش دهنده پیامدهای خارجی، توزیع کننده مجدد درآمد و ثروت و همچنین بوروکراسی، توهم مالی و انحصارات دولت را از دیگر عوامل رشد دولت می داند. آفونسو و فورسری (۲۰۰۸) با استفاده از الگوی داده های تابلویی با اثرات ثابت و داده های ۱۵ کشور عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در طول دوره زمانی ۱۹۷۰-۲۰۰۴ نتیجه گیری کردند که مالیاتهای غیرمستقیم، کمکهای مردمی، مخارج مصرفی دولت و یارانه ها اثر منفی و سرمایه گذاری بخش خصوصی اثر مثبت بر رشد اقتصادی این کشورها دارد ولی مخارج سرمایه ای دولت اثر معنی داری بر آن ندارد. گریگوریو و گوش (۲۰۰۹) نیز با استفاده از الگوی داده های تابلویی و روش تخمین GMM و داده های ۱۵ کشور در حال توسعه طی دوره زمانی ۱۹۹۹-۱۹۷۲ به این نتیجه رسیدند که مخارج کل دولت اثری مثبت بر رشد اقتصادی این کشورها دارد، درحالیکه مخارج مصرفی دولت و مخارج سرمایه ای آن به ترتیب دارای اثرات مثبت و منفی بر رشد اقتصادی هستند. یامامورا ^۴ (۲۰۱۰) در تحقیق خود با عنوان «تجزیه اثر اندازه دولت بر رشد» روی کشورهای OECD در طول ۱۹۶۵-۱۹۹۰ با استفاده از روش پانل و مدل اثرات ثابت به این نتیجه رسیده است که اثر اندازه دولت بر انباشت سرمایه منفی است. آفونسو و جالس ^۵ (۲۰۱۱) در تحقیق خود با عنوان «عملکرد اقتصادی و اندازه دولت» با استفاده از روش پانل برای ۱۰۸ کشور در طول دوره زمانی ۱۹۷۰-۲۰۰۸ به بررسی نقش دولت در تولید اقتصادی پرداختند. آن ها یک مدل رشد ساختند که در آن سطح بهینه مصرف خصوصی و تولید سرانه با دخالت دولت کاهش می یابد و برای اندازه دولت متغیرهای مختلفی به کار رفته است. نتایج حاکی از اثر منفی اندازه دولت بر رشد است. جعفری صمیمی و حبیبیان (۲۰۱۱)، در تحقیق خود با عنوان «اندازه دولت و رشد اقتصادی: شواهدی از تعدادی کشور توسعه یافته» به بررسی اثر مخارج دولت بر رشد اقتصادی ۱۸ کشور توسعه یافته در طول دوره ۱۹۹۰-۲۰۰۷ پرداخته اند. در این مقاله برای مخارج دولتی از شاخص ترکیبی بازبودن استفاده شده است و با استفاده از روش داده های پانل به این نتیجه رسیده اند که اثر هزینه های مصرفی دولت بر رشد اقتصادی منفی و اثر مخارج ساختمانی دولت بر رشد اقتصادی مثبت است.

اکنون به تحقیقاتی که در داخل کشور انجام شده است، اشاره می کنیم. خداحمی (۱۳۷۱) با بکارگیری الگوی راتی رام برای اقتصاد ایران و به روش OLS نتیجه گرفت که تأثیر مخارج سرمایه گذاری دولت بر رشد اقتصادی مثبت و بیش از مخارج مصرفی

¹- Kolluri, Panik, and Wahab .

² - Bertucci and Albert

³ Garrett and Rhine.

⁴ Yamamura

⁵ Antonio Afonso and Joao Tovar Jalles

می باشد. سامتی (۱۳۷۲) نیز با استفاده از الگوی راتی رام به بررسی اندازه دولت و ارتباط آن با رشد اقتصادی پرداخت. وی فعالیت های دولت از سه بعد بودجه عمومی، بودجه شرکت های دولتی و قانون گذاری را مورد توجه قرار داد هاشمی (۱۳۷۴) تأثیر هزینه های جاری بر رشد اقتصادی بخش های مختلف را محاسبه کرد. وی به این نتیجه دست یافت که تأثیر هزینه های جاری بر رشد اقتصادی بخش های مختلف منفی بوده در حالی که هزینه های عمرانی تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی همه بخش ها داشته است و همچنین، اثر کل اندازه ی دولت بر نرخ رشد اقتصادی مثبت و بیانگر کارایی بخش دولتی است. نجم (۱۳۷۹) با استفاده از الگوی بایرام طی سال های ۱۳۷۷-۱۳۳۸ نتیجه گرفت اثر کل هزینه های دولت بر رشد اقتصادی مثبت بوده و سرمایه گذاری بخش دولتی مکمل سرمایه گذاری بخش خصوصی می باشد. رفیعی و زبائی (۱۳۸۲) در مقاله خود تحت عنوان «اندازه دولت، رشد اقتصادی و بهره وری نیروی کار در بخش کشاورزی» در طول ۱۳۵۰-۱۳۷۹، با استفاده از مدل خود توضیح با وقفه های گسترده به بررسی رابطه بین اندازه دولت و رشد اقتصادی و ارزیابی اثرات سرمایه گذاری دولت بر بهره وری نیروی کار در بخش کشاورزی پرداخته اند. نتایج تحقیق بیان می کند که اندازه دولت تأثیر مثبت و معنی داری بر رشد بخش کشاورزی دارد و بهره وری نیروی کار در بخش کشاورزی رابطه مستقیمی با سرمایه گذاری بخش دولتی دارد. سوری (۱۳۸۵) در مطالعه ای با نتایج نشان میدهد که کارایی اقتصاد ایران تا قبل از انقلاب در حال افزایش بود و سپس به دلیل وقوع انقلاب اسلامی در پی آن وقوع جنگ تحمیلی، شاخص کارایی شروع به کاهش نموده اما بعد از جنگ با یک روند ملایم شروع به افزایش کرده است. همچنین نتایج نشان میدهد که شاخص هایی که برای اندازه دولت معرفی گردید، همگی با شاخص کارایی رابطه منفی دارند. کمیجانی و نظری (۱۳۸۸) در مطالعه ای با عنوان «تأثیر اندازه دولت بر رشد اقتصادی در ایران» به بررسی اثر مخارج دولت بر رشد اقتصادی در سالهای ۱۳۵۳-۱۳۸۴ در اقتصاد ایران پرداختند. آنها در این مطالعه به این نتیجه دست یافتند که مخارج دولت در کوتاه مدت اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد اما در بلندمدت اثر اندازه دولت بر رشد اقتصادی مثبت است. سعدی و همکاران (۱۳۸۸) عنوان "کارایی اقتصادی و اندازه دولت" رابطه اندازه دولت و کارایی اقتصادی را مورد بررسی قرار داده است. در این مطالعه ابتدا کارایی فنی در سطح کلان محاسبه و سپس رابطه آن با اندازه دولت بررسی شده و) در تحقیقی با عنوان «تحلیل ارتباط مخارج دولت و رشد اقتصادی در چارچوب مدل رشد بارو» به بررسی ارتباط مخارج دولت و رشد اقتصادی ایران طی سالهای ۱۳۶۰-۱۳۸۶ پرداخته و از آن طریق تعیین اندازه بهینه دولت در اقتصاد ایران در چارچوب مدل رشد بارو تعیین کرده اند. آنان به این نتیجه رسیده اند که تأثیر متغیر نسبت مخارج سرمایه گذاری دولت به تولید ناخالص داخلی بر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه در مقادیر کوچک مثبت و در مقادیر بزرگ منفی است. بدین ترتیب اثر مخارج دولتی بر رشد اقتصادی تا دامنه خاصی، مثبت و پس از آن منفی است به عبارت دیگر، مخارج دولت و رشد اقتصادی دارای ارتباطی غیرخطی هستند همچنین تامین مالی از طریق انتشار اسکناس، رشد اقتصادی را کاهش میدهد. علی سوری و رضا کیهانی (۱۳۸۲) اهمیت متغیرهای جمعیتی، اندازه دولت و رشد اقتصادی در ایران را بررسی کردند. نتایج آنها ثابت می کند که متغیرهای جمعیتی نه تنها بر نرخ رشد اقتصادی تأثیرگذار است، بلکه اندازه دولت را مشخص می کند. نتیجه کلی مطالعات پیشین این است که بیشتر شدن سهم مخارج بخش دولت بر رشد محصول ناخالص داخلی کشورها اثر منفی داشته است. در مجموع به نظر می رسد که مصرف دولت تأثیر منفی چشمگیری بر رشد اقتصادی، به ویژه در کشورهای ثروتمندتر داشته باشد. قلی زاده (۱۳۸۳) به بررسی اندازه بهینه دولت بر مبنای بودجه عمومی دولت طی دوره زمانی ۸۰-۱۳۳۸ پرداخت. مطالعه وی نشان داد مخارج دولت یکی از متغیرهای مهم موثر بر رشد اقتصادی کشور بوده است. . عرب مازار (۱۳۸۷) در تحقیق خود با عنوان «تحلیل پویای اثر مخارج دولت بر رشد اقتصادی در ایران» طی سالهای ۱۳۷۵-۱۳۸۵، در قالب یک الگوی کلان اقتصادی و با استفاده از روش پویای سیستمی، به شبیه

سازی متغیرهای کلان و بررسی اثر مخارج مصرفی و عمرانی دولت بر رشد اقتصادی و سایر متغیرها می پردازد. نتایج نشان می دهد که اگرچه مخارج عمرانی و مصرفی دولت به طور متوسط سبب افزایش رشد اقتصادی میشود، این اثر برای مخارج عمرانی بیشتر بوده است. حیدر و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیق خود با عنوان «رابطه ی بین اندازه دولت و رشد اقتصاد: مطالعه موردی کشورهای عضو اوپک حاشیه خلیج فارس» به بررسی رابطه تجربی بین اندازه دولت و رشد اقتصادی در شش کشور عضو اوپک حاشیه خلیج فارس در دوره زمانی ۱۹۷۰-۲۰۰۷ با استفاده از داده های تابلویی پرداخته اند. نتایج نشان میدهد که اندازه دولت در این کشورها بزرگ است و از آنجاییکه دولتهای این کشورها از درآمدهای سرشار نفتی بهره مند هستند، اندازه ی دولت اثر منفی بر سرمایه گذاری بخش خصوصی و تولید ناخالص داخلی دارد. همچنین نرخ رشد نیروی کار، نرخ رشد سرمایه و نرخ رشد صادرات اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارند. طباطبایی و نعمت اللهی (۱۳۸۹) تاثیر رشد مخارج دولتی بر رشد اقتصادی ایران را با استفاده از الگوی تصحیح خطای برداری برای دو الگوی هم جمعی تدوین شده، مطالعه نمودند. نتایج آنها نشان داد تغییرات در مخارج کل واقعی دولت در کوتاه مدت دارای اثری مثبت و معنادار بر تغییرات در تولید ناخالص داخلی واقعی می باشد. به طوری که یک درصد افزایش در مخارج کل واقعی دولت تغییری به میزان ۰.۳۵ درصد در تولید ناخالص داخلی واقعی ایجاد خواهد نمود. پیرائی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله ای با عنوان «آزمون رابطه به شکل منحنی آرمی میان اندازه دولت و رشد اقتصادی در ایران: روش رگرسیون آستانه» به آزمون رابطه ای به شکل منحنی آرمی میان اندازه دولت و رشد اقتصادی در ایران پرداخته اند. نتایج این تحقیق، وجود رابطه به شکل منحنی آرمی میان اندازه دولت و رشد اقتصادی در ایران را تایید نمی کند.

۳. اندازه ی دولت

دولت یکی از موضوعات یا پدیده هایی است که زندگی انسان آکنده از آن است و رد پای آن در همه جای زندگی بشر موجود است. افراط و تفریط در طول تاریخ اقتصادی بشر هم در مکاتب فکری و هم در تجارب کشورهای مختلف به وضوح دیده می شود. امروزه به نحو فزایندهای پذیرفته شده است که برای تحقق هدف توسعه اقتصادی و اجتماعی، وجود دولتی کارا اهمیت اساسی دارد. چنین دولت باید نقش خود را بیشتر به عنوان شریک و فراهم آورنده زمینه بیشتر مشارکت بخش خصوصی ایفاء نماید (صادقی و همکاران، ۱۳۹۱). از منظر مداخله دولت در امور اقتصادی، تاریخ نظام های بشر جدال دو اندیشه موافق و مخالف با دخالت دولت در اقتصاد بوده است. از دیدگاه اندیشه موافق احتمال می رود اندازه دولت بزرگتر بواسطه ناکارایی های موجود در ذات دولت، رشد اقتصادی را کاهش دهد و اما گروه دیگر، نقش مهمی را برای دولت در فرآیند رشد اقتصادی تصویر میکنند. حداکثر قدرت، اقتدار و اختیار را برای دولت قائل بوده که می تواند و باید در کلیه عرصه های اقتصادی و اجتماعی وارد عمل شود. در موارد شکست بازار (اثر خارجی منفی و ارائه کالاهای عمومی)، نمی توان از وظایف مهم دولت مانند ایجاد زیرساخت های نهادی و قانونی، بازتوزیع درآمد و ثروت و ارائه کالاهای عمومی چشم پوشی کرد (چشمی و بازمحمدی، ۱۳۸۶). تخصیص بهینه منابع، توزیع مجدد درآمد ها و تثبیت فعالیت های اقتصادی از اهم وظایف دولت ها بشمار می رود. مخارج دولتی مهم ترین ابزاری است که نقش موثری در شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور ایفا می کند. عده ای از اقتصاد دانان معتقد اند بخش دولتی بدلیل حجیم بودن آن عمده ترین علت ناکارآمدی نظام اقتصادی در کشور است (مطالعات اقتصادی، ۱۳۸۶). در یک تقسیم بندی کلی در این باره که دولت در حوزه اقتصادی چه نقشی دارد و میزان دخالت آن در چه حدی باید باشد چند دوره را می توان از هم تفکیک کرد که می توان مهم ترین آنها را دوره های کلاسیک، بحران کبیر (یا دوره بین دو جنگ)

و دوره سیطره نئولیبرالیسم نامید. در شرایطی که رویکرد « نئولیبرالیسم» ایده « دولت حداقل » را به شدت طرح و عدم اجرای آن را با مجازات نهادهایی چون صندوق بین المللی پول پاسخ می داد، بانک جهانی در گزارش سال ۱۹۹۷ بر نقش مثبت دولت در تغییر و تحولات اقتصادی تأکید کرده و این نقش را فراتر از آن چیزی می داند که در چارچوب (دولت حداقل) وجود دارد. و به طرح رویکردی می پردازد که آن را « دولت موافق بازار »^۱ می نامند (قلی زاده، ۱۳۸۳). اواسط دهه ۱۹۹۰ نئو محافظه کاران و نئولیبرال ها دوباره نوید دولت صفر و حاکمیت نیروهای بازار و بخش خصوصی را سر می دادند. عده ای شکل گیری دولت بزرگ برای مقابله با دشواری های ناشی از جهانی شدن اقتصاد را پیش بینی می کردند (نظری و دادگر، ۱۳۸۷).^۲ آرمی در سال ۱۹۹۵ اندازه بهینه دولت را در نظریه خود تحت عنوان اندازه بهینه دولت مطرح کرد. وی معتقد بود ترکیبی از تصمیم دولت و بخش خصوصی وجود دارد، و ارتباط بین اندازه دولت به عنوان سهمی از GDP و رشد تولید ناخالص داخلی واقعی را به صورت نموداری نشان داد که وقتی دولت خیلی کوچک است با افزایش و گسترش آن در ابتدا، تولید و رشد اقتصادی افزایش می یابد و برای رسیدن به دولت رفاه دولت هزینه کرده تا بهره وری را افزایش دهد. اما افزایش زیاد اندازه دولت از یک حد متعارف به بعد تولید را کاهش می دهد و منجر به افزایش هزینه های مالی پروژه ها، استقراض بیشتر و افزایش مالیات ها شده و کاهش بهره وری و سودآوری پروژه ها را ممکن می سازد از این رو پیوسته موجب کاهش فرصت های سرمایه گذاری خواهد شد (مطالعات اقتصادی، ۱۳۸۶).

۳.۱. دولت و اندازه ی آن در اقتصاد ایران

اندازه دولت در اقتصاد ایران برحسب تعاریف گوناگون بسیار متفاوت است. دولت مرکزی^۳، دولت عمومی^۴ و بخش عمومی^۵، سه تعریف و اندازه متفاوت از نقش و جایگاه دولت در اقتصاد ایران به دست می دهند. در کشور ما، اندازه دولت عمومی که علاوه بر نهادهای دولت مرکزی مشتمل بر شهرداری ها و سازمان های بیمه و تامین اجتماعی است، به دلیل ناتوانی نظام درآمد و هزینه استانها، سیاستهای تمرکزگرایی که سالیان متمادی در کشور اجرا شده است و مشکلات گزارش دهی و ضعف آماری، اختلاف چندان با اندازه دولت مرکزی ندارد. به دلیل گستردگی حجم فعالیت های تصدیگری دولت که از طریق شرکتها، بانکها، موسسات انتفاعی وابسته به دولت و نهادهای عمومی غیر دولتی صورت می گیرد، اندازه بخش عمومی تفاوت فاحشی با اندازه دولت مرکزی و دولت عمومی دارد (چشمی و بازمحمدی، ۱۳۸۶). اندازه دولت در اقتصاد ایران، طی چند دهه اخیر، متأثر از افزایش قیمت جهانی نفت، انقلاب، جنگ، بازسازی پس از جنگ و رشد قیمت ها دستخوش نوساناتی بوده است. به خصوص، وابستگی منابع مالی دولت به درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام در این دوره، تأثیر مستقیمی بر ایجاد ساختار دولتی اقتصاد و گسترش اندازه دولت داشته است. همزمان، نوسانات یا تکانه های جهانی قیمت نفت نیز اسباب بی ثباتی اقتصاد و تشدید مداخلات دولت در اقتصاد ایران را فراهم نموده است (نظری و دادگر، ۱۳۸۷). شاخص نسبت درآمدهای نفتی به کل درآمدهای دولت طی سه دهه اخیر حاکی از این نسبت است که در سال های رونق (۵۷-۱۳۵۳) درآمدهای نفتی در حدود ۹۳٫۷۵ درصد بود، در سال های انقلاب و جنگ (۶۷-۱۳۵۷) به ۹۰٫۳۵ درصد کاهش یافت (سوری و کیهانی، ۱۳۸۲). در طول برنامه اول، افزایش و

¹ - Market-friendly

² - Armey

³ - Central Government

⁴ - General Government

⁵ - Public Sector

در برنامه دوم کاهش یافته و در برنامه سوم همراه با افزایش و دو سال اول برنامه چهارم با کاهش مواجه شده به طوری که این نسبت در دو سال اول برنامه چهارم به ۴۶ درصد رسیده است. همواره نسبت مخارج جاری به GDP بیشتر از نسبت مخارج عمرانی به GDP است. شاخص نسبت مخارج جاری به GDP و نسبت مخارج عمرانی به GDP در سال های رونق درآمدهای نفتی همراه با افزایش بوده اما هر دو شاخص در طول دوره انقلاب و جنگ و برنامه اول با کاهش مواجه بوده است. اما شاخص نسبت مخارج جاری به GDP در طول برنامه دوم، برنامه سوم و دو سال اول برنامه چهارم با افزایش مواجه شده است (گزارش سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۲).

۳.۲. ساز و کارهای اثرگذاری فعالیت دولت بر رشد اقتصادی

در چارچوب کلی فرض میکنیم که دولت از طریق فعالیتهایی نظیر فعالیتهای بودجه ای، سیاست گذاری و و تنظیم سیاستها، قوانین و تصدیها، بر رشد اقتصادی اثر میگذارد و علاوه بر آن گستره ی عظیمی از متغیرهای اقتصادی در ابعاد خرد و کلان را متاثر میکند.

فعالیتهای دولت ایران و در سطح کلان به چهار دسته ی سیاست مالی، پولی، ارزی و سیاستهای اعمال شده در بازار کار تقسیم می شود. دولت مالیاتها را دریافت و انتقالات مختلف را پرداخت می کند، مقدار پول مورد نیاز خود را منتشر کرده و همچنین می تواند نرخ برابری پول ملی با پول های رایج خارجی و بهای کالاها و خدمات تولیدی خود را تعیین کند. سیاستهای حمایتی تعرفه ای و غیرتعرفه ای را اعمال کرده و تجارت خارجی را جهت دهد. با تعیین سطوح حقوق و دستمزد و شرایط کار و انواع بیمه در موارد اضطراری، به اصلاح و تجدیدنظر در قوانین بازار کار می پردازد. همچنین در کشورهایی که بانکها دولتی هستند، دولت بر بخش پولی احاطه دارد، در نتیجه سیاستهای پولی تحت تاثیر سیاستهای مالی و مصوبات دولت انجام می گیرد.

۳.۳. تامین مالی کسری بودجه

مخارج دولت از شیوه های مختلفی تامین مالی می شود؛ درآمدهایی که به وسیله ی دریافت مالیات و عوارض فروش خدمات بازاری و غیربازاری قابل تجدید حاصل شود، درآمدهای حاصل از منابع تجدیدناپذیری نظیر کسب درآمد از طریق فروش نفت و گاز، فروش ارز و فروش سایر داراییها، درآمدهای حاصل از استقراض داخلی از بانک مرکزی و بانکهای تجاری و تخصصی یا استقراض از خارج، از سایر منابع درآمدی دولت هستند. هر کدام از این شیوه های تامین مالی، اثرات متفاوتی بر بودجه و اقتصاد ملی دارند. چنانچه دولت نتواند مخارج خود را به وسیله درآمدهای مالیاتها و یا فروش داراییها تامین کند، به استقراض از نظام بانکی متوسل می شود. به مرور زمان، این شیوه ی تامین مالی به شکل بدهی موجود، انباشته شده و سبب افزایش بدهی ملی در اقتصاد میشود. این نوع تامین مالی با افزایش عرضه ی پول، تورم را افزایش میدهد و با وجود آنکه ممکن است به افزایش تولید بیانجامد، اثر منفی بر اقتصاد دارد.

۴- مبانی نظری

برای بررسی هدف های مورد نظر در این تحقیق، مدلی که لی و لین در مطالعات خود استفاده کرده اند، به کار گرفته شده که یک از نوع توابع تولید نئوکلاسیک و همگن از درجه یک با تنها دو متغیر است. بنابراین:

$$Y=f(K,L) \quad (1)$$

که در آن مقدار تولید کل و K موجودی سرمایه و L نیروی کار است. با تقسیم کردن معادله (۱) بر جمعیت (P)، این معادله به شکل زیر به دست می آید:

$$y=f(k,l) \quad (2)$$

که در آن، y تولید سرانه، k نسبت سرمایه به جمعیت و l نرخ مشارکت نیروی کار است. همچنین با وارد کردن اندازه دولت، یعنی سهم هزینه های دولت در تولید، معادله (2) به شکل زیر به دست می آید:

$$y= f(k,l,G) \quad (3)$$

با دیفرانسیل گیری از معادله (۳) و تقسیم کردن آن بر y معادله رشد به صورت زیر می شود:

$$dy = \frac{\partial f}{\partial k} dk + \frac{\partial f}{\partial l} dl + \frac{\partial f}{\partial G} dG \quad (4)$$

$$\frac{dy}{y} = \left(\frac{\partial f}{\partial k} \frac{k}{y}\right) \frac{dk}{k} + \left(\frac{\partial f}{\partial l} \frac{l}{y}\right) \frac{dl}{l} + \left(\frac{\partial f}{\partial G} \frac{G}{y}\right) \frac{dG}{G} \quad (5)$$

$$y_t = \beta_1 k_t + \beta_2 l_t + \beta_3 g_t \quad (6)$$

در معادله ۶، y_t ، k_t ، l_t ، g_t به ترتیب نرخهای رشد متغیرها برای سال t ام و β_1 ، β_2 ، β_3 به ترتیب کششهای تولید سرانه نسبت به سرمایه سرانه، نرخ مشارکت نیروی کار و اندازه دولت است.

تصریح و برآورد مدل:

در مطالعاتی که در آنها از داده های سری زمانی استفاده می شود باید در مورد ایستایی متغیرها و مباحث مربوط به آنها به طور کامل بحث شود. در این مطالعه برای تشخیص پایایی متغیرهای سریهای زمانی از آزمونهای دیکی- فولر تعمیم یافته استفاده شده است. در این مطالعه چون مدل دارای متغیرهای ایستا از درجه صفر و یک است، از مدل خود توضیح با وقفه های گسترده (ARDL) که توسط پسران و پسران^۱ (۱۹۹۷) و پسران و شین^۲ (۱۹۹۸) ارائه گردیده استفاده شده است. همچنین سایر آزمونهای همخطی، خودهمبستگی، تورش تصریح و پایایی مدل نیز مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج آزمون ریشه ی واحد دیکی فولر تعمیم یافته (ADF) در جدول (۱) آمده است.

¹ Pesaran & Pesaran.

² Pesaran & Shin.

جدول (۱): نتایج آزمون ریشه واحد متغیرها

نتیجه	با عرض از مبدا و با روند			با عرض از مبدا و بدون روند			متغیر
	وقفه	مقدار بحرانی در سطح ۹۵٪	آماره آزمون	وقفه	مقدار بحرانی در سطح ۹۵٪	آماره آزمون	
پایا	صفر	-3.58	-4.57	صفر	-2.97	-3.49	y_t
پایا	یک	-3.63	-3.66	یک	-2.99	-4.38	k_t
پایا	یک	-3.22	-5.87	یک	-2.97	-3.51	g_t
ناپایا	صفر	-3.58	-1.53	صفر	-2.97	-1.10	l_t
پایا	صفر	-3.58	-3.79	صفر	-2.97	-3.87	dl_t

منبع: محاسبات تحقیق

برای تعیین تعداد وقفه های بهینه می توان از معیارهای آکائیک ، شوارتز-بیزین و حنان-کوئین استفاده نمود. در این مطالعه طول وقفه بهینه بر اساس معیار شوارتز-بیزین (SBC) انتخاب شده است. این معیار با توجه به کوچک بودن حجم نمونه، در تعداد وقفه ها صرفه جویی می کند تا در نهایت تعداد درجات آزادی کمتری از دست رود. همانطور که در جدول (۱) مشاهده می شود، قدرمطلق آماره دیکی فولر تعمیم یافته محاسبه شده برای همه متغیرها، در سطح، از قدرمطلق مقادیر بحرانی، بزرگتر بوده و بنابراین فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد را می توان رد کرد. بنابراین همه متغیرها به جز متغیر dl در سطح پایا می باشند. اما قدرمطلق آماره دیکی فولر تعمیم یافته محاسبه شده برای متغیر dl در سطح از قدرمطلق مقادیر بحرانی کوچکتر بوده و بنابراین فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد را نمی توان رد کرد. بنابراین متغیر dl در سطح ناپایا هستند، اما با یک بار تفاضل گیری از این متغیر، آماره دیکی فولر تعمیم یافته مربوط به آن از مقادیر بحرانی بزرگتر شده و پایا بودن آن به اثبات می رسد. نتایج حاصل از تخمین مدل کوتاه مدت در جدول ۱ نشان داده است. بر حسب نتایج حاصل از داده های جدول ۱، متغیر dl و متغیر رشد تولیدسرانه بدون وقفه است و متغیرهای رشد سرمایه سرانه و اندازه دولت با یک وقفه در مدل وارد شده اند. پس از آزمون پایایی، الگوی پویای بلندمدت تخمین زده شده است که نتایج آن در جدول (۲) آمده است.

جدول ۲. نتایج حاصل از تخمین رابطه کوتاه مدت مدل رشد

متغیر	ضریب	انحراف معیار
C عرض از مبدا	0.06**	0.018

0.18	-0.187*	Dy(-1) رشد تولید سرانه با یک وقفه	
0.18	-0.399**	Dy(-2) رشد تولید سرانه با دو وقفه	
0.0203	-0.0016**	Dg رشد اندازه دولت	
0.0195	0.052**	Dg(-1) رشد اندازه دولت با یک وقفه	
0.0357	-0.0296**	Dk رشد سرمایه سرانه	
0.0335	0.042*	Dk(-1) رشد سرمایه سرانه با یک وقفه	
0.0338	0.098**	Dk(-2) رشد سرمایه سرانه با دو وقفه	
0.903	0.8175*	DI رشد نیروی کار سرانه	
R²=0.82	$\bar{R}^2=0.63$	DW=2.02	F=54.05

* سطح اطمینان ۹۰٪ ** سطح اطمینان ۹۵٪

ماخذ: یافته های پژوهش

قبل از بحث درباره ی رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرهای موجود در الگو لازم است آزمون وجود همگرایی بلندمدت، بین متغیرهای موجود صورت گیرد. برای انجام آزمون همگرایی از روش بنرجی، دولادو و مستر^۱ (۱۹۹۲) استفاده شده است. به این منظور با استفاده از مدل ARDL، الگوی پویای رابطه مبادله خالص را برآورد می کنیم. نرم افزار ماکروفیت ۴ مدل ARDL(0,1,0,1) را مطابق معیار شوارتز- بیزین(SBC) برای یک وقفه به عنوان بهترین مدل برآوردی، انتخاب می کند که این مدل جدول (۲) ارائه شده است. همانطور که جدول(۲) نشان می دهد، \bar{R}^2 برابر با 0.63 می باشد و این بدان معناست که تقریباً 63 درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای توضیحی، توضیح داده شده است. R^2 بالا است که به معنای قدرت توضیح دهنده بالایی متغیرهای مستقل می باشد. با توجه به اینکه آماره F نشان دهنده درجه صحت تخمین رگرسیون است و مقدار آن برابر با 54.05 است لذا فرضیه صفر مبنی بر بی معنی بودن کل رگرسیون را می توان رد کرد؛ به عبارت دیگر با رد فرضیه صفر، معنی داری کل رگرسیون به اثبات می رسد. پس از برآورد الگوی پویا، باید فرض وجود و یا عدم وجود همجمعی بین متغیرهای موجود در الگو آزمون شود. در آزمون بنرجی، دولادو و مستر چنانچه مجموع ضرایب با وقفه متغیر وابسته کوچکتر از یک باشد، الگوی پویا به سمت تعادل بلندمدت گرایش دارد.

بنابراین برای آزمون وجود همجمعی در الگوی ARDL لازم است آزمون فرضیه های زیر انجام شود:

$$H_0: \sum_{i=1}^p \alpha_i - 1 \geq 0$$

$$H_1: \sum_{i=1}^p \alpha_i - 1 < 0$$

¹ Banerjee,A. Dolado.J. Master.R.

با توجه به اینکه معیار شوارتز-بیزین تعداد وقفه های بهینه متغیر وابسته را یک انتخاب کرده است، مقدار آماره t مورد نیاز برای انجام آزمون فوق به صورت زیر محاسبه می شود:

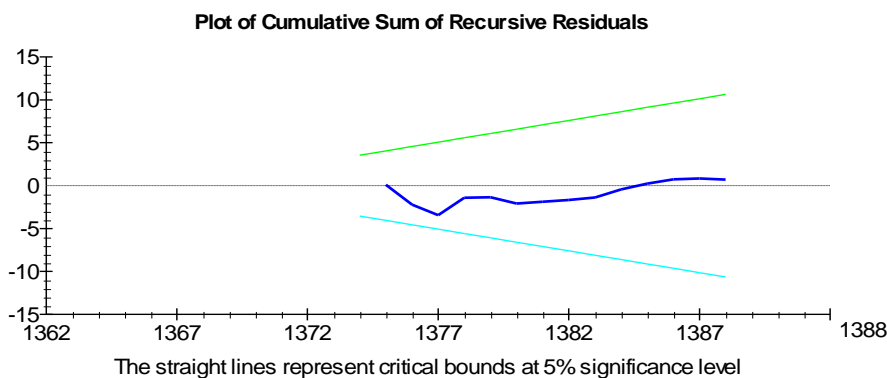
$$T = \frac{\alpha i - 1}{S_{\alpha i}} \quad (7)$$

$$T = \frac{(0.187 + 0.399) - 1}{0.18} = -5.464$$

کمیت بحرانی ارایه شده توسط بنرجی و همکاران در سطح ۹۵٪ برای مدل با عرض از مبدا برابر با -۴٫۴۳ می باشد (تشکینی، ۱۳۸۴). مقدار t محاسباتی نیز برابر با -5.464 است. بنابراین، فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بلندمدت رد و وجود رابطه بلندمدت میان متغیرهای الگو تایید می شود.

برای اطمینان از ثبات ساختاری مدل، آزمون های CUSUM و CUSUMSQ را که منعکس کننده ثبات در ضرایب تخمینی در طول دوره مورد بررسی هستند را انجام می دهیم. این آزمون که توسط هنسن^۱ (۱۹۹۲) ارایه گردید، بیان می کند پارامترهای تخمین زده شده در یک سری زمانی ممکن است در طی زمان تغییر کنند و پارامترهای بی ثبات نیز ممکن است به عدم تشخیص صحیح منجر شوند. لذا انجام آزمون ثبات پارامتری ضروری به نظر می رسد. برای این منظور از آزمون مجموع پسماند تجمعی بازگشتی (CUSUM) و مجذور پسماند تجمعی بازگشتی (CUSUMSQ) که توسط برون و دیگران^۲ (۱۹۷۵) ارایه شده، استفاده می کنیم. اگر نمودارهای ارائه شده داخل فاصله اطمینان ۹۵ درصد باشند، فرضیه صفر مبنی بر وجود ثبات ساختاری را نمی توان رد کرد و اگر نمودارها از فاصله اطمینان بیرون زده باشند یا به عبارتی فاصله اطمینان را قطع کرده باشند، فرضیه صفر را می توان رد کرد.

نمودار (۱): آزمون مجموع پسماند تجمعی بازگشتی (CUSUM) مربوط به ثبات ساختاری مدل

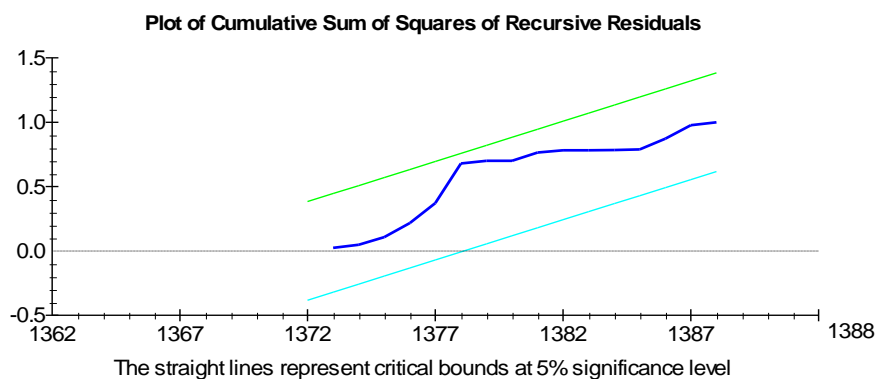


¹ Hansen.

² Brown et al.

ماخذ: محاسبات پژوهش

نمودار(۲): آزمون مجذور پسماند تجمعی بازگشتی (CUSUMSQ) مربوط به ثبات ساختاری مدل



ماخذ: محاسبات پژوهش

همانطور که مشاهده می گردد هر دو نمودار در بین دو خطی می باشند که ناحیه بحرانی را در سطح خطای ۰.۵٪ تعیین کرده اند، بنابراین در سطح اطمینان ۰.۹۵٪ می توان گفت که مدل از ثبات ساختاری برخوردار است. پس از انجام آزمون و اطمینان از وجود رابطه بلندمدت، می توان مدل بلندمدت را برآورد کرد. نتایج برآورد مدل در جدول(۳) برآورد شده است.

جدول(۳): نتایج تخمین رابطه بلندمدت بین اندازه دولت و رشد تولید سرانه

متغیرها	ضرایب	انحراف معیار	آماره t
c	۰.۰۳**	۰.۰۹	۲.۳
Dg	0.0211*	0.3068	3.6344
Dk	0.7815*	0.1786	-4.3759
DI	0.7446**	0.1781	4.1799

ماخذ: یافته های پژوهش * سطح اطمینان ۰.۹۰٪ ** سطح اطمینان ۰.۹۵٪

با توجه به نتایج جدول ۲، ضرایب متغیرهای dg و dk یعنی رشد اندازه دولت و سرمایه، در سطح ۰.۹۰٪ معنی دار هستند. بنابراین رشد اندازه دولت و سرمایه سرانه در بلندمدت تاثیر مثبت و معنی دار بر رشد دارند و رشد نیروی کار سرانه تاثیر مثبت و بدون معنی روی رشد دارد. برای مقایسه رفتار کوتاه مدت متغیرها با مقادیر بلندمدت، الگوی تصحیح خطای مرتبط با رابطه کوتاه مدت نیز تخمین زده شد که نتایج آن در جدول(۴) ارائه گردیده است. همانگونه که در جدول(۴) ملاحظه می شود ضرایب

متغیرهای dy_1 و dk_1 معنیدار هستند. همچنین ضریب جمله تصحیح خطا برابر 1.76- برآورد شده است که نشان می دهد سرعت تعدیل نسبتا بالاست (کمتر از یک سال). در مجموع می توان گفت که حضور و فعالیت دولت باعث رشد می شود و کشش رشد تولید ملی نسبت رشد اندازه دولت در بلندمدت 0.02+ است. بنابراین، رها کردن تولید به حال خود و دخالت نکردن در آن توجیه اقتصادی ندارد و شاید این امر به عدم جذابیت برای بخش خصوصی و وجود رقابت ناقص در آن برگردد. با وجودی که نیروی کار یکی از نهاده های اصلی تولید محسوب می شود، اما ضریب رشد سرانه نیروی کار تاثیر معنی داری روی رشد تولید ملی ندارد که به نظر می رسد دلیل این امر وجود نیروی کار اضافی و همچنین پایین بودن بهره وری آن باشد که البته این موضوع با توجه به وضعیت اشتغال و همچنین سطح سواد و آگاهی نیروی کار دور از انتظار نیست.

جدول ۴. نتایج حاصل از تخمین الگوی تصحیح خطا

نام متغیر	ضریب	خطای معیار
DDC تفاضل عرض از مبدا	0.05**	0.015
DDy1 تفاضل مرتبه دوم رشد تولید سرانه	0.39**	0.19
DDg تفاضل رشد تولید سرانه	-0.001*	0.023
DDk تفاضل رشد اندازه دولت	-0.029*	0.033
DDk1 تفاضل مرتبه دوم رشد اندازه دولت	-0.098**	0.036
DDI تفاضل رشد سرمایه سرانه	0.81**	0.90
Ecm(-1) جمله تصحیح خطا	-1.56*	0.27
	DW=1.98	R ² =0.72
		$\bar{R}^2=0.53$
		F=65.55

ماخذ: یافته های پژوهش * معنی داری در سطح ۹۰٪ ** معنی داری در سطح ۹۵٪

اما آنچه که در رابطه با مدل تصحیح خطا مورد توجه و دارای اهمیت اساسی است ضریب $ecm(-1)$ است. این ضریب در مدل مذکور معادل 1.56- برآورد شده که از نظر آماری کاملا معنی دار می باشد و نشان دهنده ی سرعت تعدیل عدم تعادل کوتاه مدت به سمت تعادل بلندمدت است که نشان می دهد سرعت تعدیل نسبتا بالاست (کمتر از یک سال).

۶- نتیجه گیری

در راستای بررسی تاثیر اندازه دولت بر رشد تولید ملی در اقتصاد ایران با بکارگیری الگوی ARDL در دوره ی زمانی ۱۳۷۰-۱۳۸۸ به بررسی روابط کوتاه مدت و بلندمدت داده های مربوط به مخارج دولت، سرمایه گذاری دولت، نیروی کار و تولید پرداخته شد. با توجه به مدل برآورد شده می توان گفت که برای بازه ی زمانی ۱۳۷۰-۱۳۸۸، اندازه دولت اثر مثبت و معنی داری بر رشد تولید ملی داشته است. نتایج جدول ۲، نشان می دهد، ضرایب متغیرهای dk و dg ، در سطح ۹۰٪ معنی دار هستند. بنابراین رشد اندازه دولت و سرمایه سرانه در بلندمدت تاثیر مثبت و معنی دار بر رشد اقتصادی کشور دارند. همچنین مقدار اندازه دولت تقریبا برابر با 0.02+ است به عبارت دیگر ضریب اندازه دولت در معادله رشد تولید ملی، برابر 0.02+ است، که

می توان برای آن دلایل مختلفی را ذکر کرد برای مثال اگر بخش دولتی، کالاهای اساسی عمومی را که تولیدکنندگان خصوصی قادر به تهیه آن نیستند، تولید کند، در این حالت اندازه بزرگتر دولت می تواند به رشد سریعتر اقتصادی منجر شود. اما اگر بخش دولتی، کارآمدی کمتری نسبت به بخش خصوصی داشته باشد، اندازه بزرگتر دولت باعث کند شدن رشد اقتصادی خواهد شد. نتایج جدول (۴) نشان می دهد، ضرایب متغیرهای dy_1 و dk_1 معنی دار هستند. همچنین ضریب جمله تصحیح خطا برابر 1.76 - برآورد شده است، که بیانگر سرعت تعدیل نسبتا بالاست (کمتر از یک سال). در مجموع می توان گفت که حضور و فعالیت دولت باعث رشد می شود. بنابراین، رها کردن تولید به حال خود و دخالت نکردن در آن توجیه اقتصادی ندارد و شاید این امر به عدم جذابیت برای بخش خصوصی و وجود رقابت ناقص در آن برگردد.

۷- منابع و مواخذ

- ۱- چشمی، اکبر، عوامل تعیین کننده اندازه دولت با تاکید بر کشورهای صادرکننده نفت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۸۴.
- ۲- خدا رحمی، روح ا...، بررسی رابطه اندازه دولت و رشد اقتصادی در ایران طی سالهای 1339-1369، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۷.
- ۳- دادگر، بدالله، مروری بر ادبیات جایگاه دولت در اقتصاد، فصلنامه فرهنگ اندیشه، سال اول، شماره ۲، ۱۳۸۰، صص ۲۵-۲.
- ۴- سامتی، مرتضی، اندازه مطلوب فعالیتهای دولت در ایران، پایان نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۲.
- ۵- سامتی، مرتضی، صامتی، مجید، صادقی، حسن. تأثیر جهانی شدن اقتصاد بر اندازه دولت؛ مطالعه کشورهای منتخب آسیایی، فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، سال دوم، شماره ششم ۱۳۹۲، صص ۲۱۰-۲۴۹.
- ۶- سوری، علی، رضا، کیهانی حکمت، متغیرهای جمعیتی، اندازه دولت و رشد اقتصادی در ایران، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی- شماره ۹ و ۱۰- پاییز و زمستان ۱۳۸۲.
- ۷- قلی زاده، علی اکبر، رویکردی برای تعیین اندازه بهینه دولت بر مبنای بودجه عمومی دولت، مجله برنامه و بودجه، شماره ۸، سال ۱۳۸۳.
- ۸- مجدزاده طباطبایی، شراره. نعمت الهی، فاطمه، تأثیر رشد مخارج دولتی بر رشد اقتصادی مطالعه موردی اقتصاد ایران، فصلنامه پژوهشها و سیاستهای اقتصادی سال هفدهم، شماره 53، بهار 1389، صفحات ۲۶-۴۴.
- ۹- نظری، روح الله. دادگر، بدالله. بررسی تأثیر جهانی شدن تجارت بر اندازه دولت در ایران، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۴۸، پاییز ۱۳۸۷، صص ۳۸ - ۱.
- ۱۰- هاشمی، میر جلال، تأثیر اندازه دولت بر رشد اقتصادی ایران طی سالهای ۱۳۳۸-۱۳۷۱، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.

- ۱۱- سعدی محمد رضا، عریانی بهاره، موسوی میرحسین، نعمت پور معصومه. تحلیل ارتباط مخارج دولت و رشد اقتصادی در چارچوب مدل رشد بارو. پژوهشنامه اقتصادی پاییز ۱۳۸۹؛ ۱۰(۳) (پیاپی ۳۸): ۱۴۵-۱۷۳.
- سوری، علی. (۱۳۸۵). کارایی اقتصادی و اندازه دولت. فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی شماره ۲۳.
- ۱۲- پیرائی، خسرو. نوروزی، هاید. (۱۳۹۱). آزمون رابطه به شکل منحنی آرمی میان اندازه دولت و رشد اقتصادی در ایران: روش رگرسیون آستانه. فصلنامه پژوهشهای اقتصادی. سال ۱۲، شماره ۲، صفحه ۱-۲۲.
- ۱۳- رفیعی، هادی، زیبائی، منصور. (۱۳۸۲). اندازه دولت، رشد اقتصادی و بهره وری نیروی کار در بخش کشاورزی. اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال یازدهم، شماره ۴۳ و ۴۴.
- ۱۴- عرب مازار، علی اکبر. (۱۳۸۷). تحلیل پویای اثر مخارج دولت بر رشد اقتصادی در ایران. مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۹۱، ص: ۱۲۱-۱۴۰.
- کمیجانی، اکبر. نظری، روح اله. (۱۳۸۸). تاثیر اندازه دولت بر رشد اقتصادی در ایران. فصلنامه پژوهشهای اقتصادی. شماره ۳.
- ۱۵- حیدری، حسن، پروین، سهیلا، فاضلی، محمد. (۱۳۸۹). رابطه ی بین اندازه دولت و رشد اقتصاد: مطالعه موردی کشورهای عضو اوپک حاشیه خلیج فارس. فصلنامه اقتصاد مقداری، دوره ۷، شماره ۳، ص: ۴۳-۶۶.
- Alfonso, A. & D, Furceri. (2008). "Government size Composition Volatility and Economic Growth". Working paper series, No. 849.
16. Afonso, Antonio, Tovar Jalles, Joao. (2011). "ECONOMIC PERFORMANCE AND GOVERNMENT SIZE 1". working paper series, No. 1399.
17. Barro, R. J. (1989). "A cross country study of Growth, saving, and Government". NBER working paper, February.
18. Bertucci, G. and Albert, A. (2001), "Globalization and the State: Challenges and Perspective", United Nation World Public Sector Report.
19. Borchering Thomas ; (1985) ; The causes of government expenditure growth: A survey of the U.S. evidence", Journal of Public Economics .pp. 359. 28(3), pp. 359-382.
20. Bird, R. M. (1971); "Wagner's 'Law' of Expanding State Activity", Public Finance. 26, pp. 1-26.
21. Garrett, Geoffrey, (2001); Globalization and Government Spending around the World ,Studies in Comparative International Development , Winter 2001, Vol 35 ,No. 4, pp. 3-29.
22. Jafari Samimi, Ahmad & Habibian, Farzane. (2011). "Government Size & Economic Growth: New Evidence from Some Developing Countries". Journal of Basic and Applied Scientific Research, 1(2) 118-123, 2011.

23. Kelley, A.C. (1976). "Demographic and the size of the Government sector". Southern Economic Journal. NO.49 PP.1056-106.
24. Kolluri, B. R., Panik, M. J. and Wahab, M. S. (2000); "Government expenditure and economic growth: Evidence from G7 countries", Applied Econom, 32, pp. 1059-1068.
2526. Lee, U.T, Commander S and Davoodi , H.R (1997); "The Causes and Consequences of Government of Growth and Well-Being", Manuscript, Washing to D.C , World Bank.
- Gregoriou, A & S. Ghosh. (2009). "Government size and Economics Convergence". International Public Finance, 47:30-56.
27. Quang, D.M., "Determinants of Government Expenditure," Oxford Bulletin of economics and statistics, Vol. 57, No. 1, 1995, pp. 67-76.
28. Yamamura, Eiji. (2010). "Decomposition of the effect of government size on growth" MPRA Paper .No. 23972.